



فرار و فروش یک ملت؛

به کدام قیمت؟



روز ۱۵ اگست ۲۰۲۱، کابل آفتابی، قشنگ و آرام بود. بدون در نظر داشت آن چه در یک ماه پسین در ولایات اتفاق افتاد، وضعیت کابل همچون هوایش، آرام و لذت بخش بود. پس از صرف صبحانه، روانه دفتر شدم. من آدمی پرمشغله بودم که همزمان با کار عملی خبرنگاری، در دانشگاه تدریس می کردم و مسوولیت نظارت و ارزیابی یک برنامه دولتی در یکی از وزارت ها را در سطح افغانستان نیز برعهده داشتم...

شاه چراغ و سرازیری تهدیدات به ایران؛ آیا پای طالبان در میان است؟



ادامه تصفیه نهادها؛

طالبان کارمندان برخی مستوفیت ها را برکنار، تنزیل بست یا به گونه جبری تبدیل می کنند

درگیری مسلحانه میان طالبان و داعش در نیمروز



۸صبح، نیمروز: منابع محلی در نیمروز از درگیری مسلحانه میان طالبان و داعش در این ولایت خبر داده اند. منابع به روزنامه ۸صبح می گویند که پس از ظهر روز سه شنبه، ۷ سنبله، در ساحه شهرک سیستم شهر زرنج، مرکز نیمروز میان طالبان و داعش درگیری رخ داده است. براساس گفته های منابع، این درگیری مسلحانه نزدیک به نیم ساعت طول کشید. یک منبع از شهر زرنج می گوید که طالبان پس از درگیری پنج تن را به اتهام عضویت در داعش بازداشت کردند. از تلفات وارد شده به دو طرف تا کنون گزارشی در دست نیست. این در حالی است که پیش از این نیز طالبان با داعشیان چندین بار در نیمروز درگیر شده بودند. به تاریخ ۲۰ حمل سال روان نیز طالبان و داعش در ساحه سیدآباد شهر زرنج با هم درگیر شده بودند.

طالبان به مقام های حکومت پیشین افغانستان کارت مصونیت توزیع کردند

عمومی اعلام کردند، اما جنگ جویان این گروه از دو سال به این سو چندین تن از شخصیت های سیاسی و فرماندهان نظامی حکومت پیشین را بازداشت کرده اند. کمیسیون تماس با شخصیت های افغان در حالی از توزیع کارت به مقام های حکومت پیشین خبر دادند که این گروه خود دست به بازداشت، شکنجه توهین و تحقیر و حتی قتل آنان می زنند.

شخصیت های افغان و مسوول دفتر معاونیت سیاسی ریاست الوزراء طالبان گفته که روند توزیع این کارت ها براساس یک طرز العمل مشخص آغاز شده است. این مقام طالبان تصریح کرده است: «علاوه بر چهره های سیاسی که از خارج کشور می آیند، چهره های سیاسی سابق باقی مانده در کشور نیز می توانند این کارت ها را دریافت کنند.» طالبان پس از تسلط دوباره شان بر افغانستان، عفو

شخصیت های علمی کشور از سوی کمیسیون تماس با شخصیت های افغان کارت مصونیت دریافت کرده اند. ارگ سه شنبه شب، ۷ سنبله، در صفحه اجتماعی ایکس (تویتر سابق) هدف از توزیع این کارت ها را ایجاد شرایط زنده گی بهتر به مقام های حکومت پیشین عنوان کرده است. مولوی ذاکر، رییس دبیرخانه کمیسیون تماس با



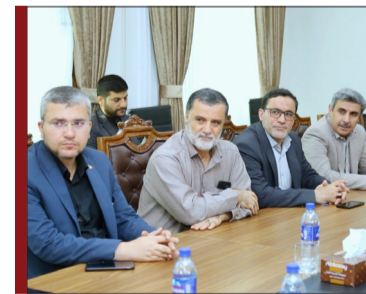
۸صبح، کابل: ارگ تحت کنترل طالبان اعلام کرد که شماری از مقام های حکومت پیشین از جمله نمایندگان مردم در مجلس نمایندگان، جنرالان و

رییسی: موضوع کم آبی در افغانستان از سوی ایران پیگیری می شود



روان، وزارت خارجه طالبان تأیید کرد که زمینه بازدید هیات جمهوری اسلامی ایران از دستگاه آب شناسی دهرآود، در ولایت ارزگان مساعد شد تا جریان آب را مشاهده و اندازه گیری کنند. دولت ایران طرف طالبان را متهم می کند که حقایق آن کشور را از دریای هلمند نمی دهد، اما طالبان ادعا دارند که به دلیل خشک سالی، افغانستان با کم آبی روبه رو بوده و با توجه به مقدار آبی که در رودخانه هلمند جاری است، حقایق ایران را به پیمانانه کافی داده اند.

۸صبح، کابل: سیدابراهیم رییسی، رییس جمهور ایران گفته است که موضوع کم آبی در افغانستان از سوی کشورش پیگیری می شود. رییسی روز سه شنبه، ۷ سنبله، در یک نشست خبری گفته است که گفت و گوهایی حسن کاظمی قمی، سفیر و نماینده ویژه ایران برای افغانستان، با طالبان منجر به بازدید و بررسی کارشناسان آن کشور از دریای هلمند شد. به گفته او، این بازدید سبب شد تا دیده شود که آب به میزان کافی وجود دارد تا نیازهای سیستم و بلوچستان این کشور برطرف شود یا خیر. رییسی همچنان به تعهد معاهده ها میان ایران و کشورهای همسایه اش تأکید کرد. موضوع حقایق ایران از رود هیرمند در ماه های اخیر به بحث داغ میان طالبان و تهران تبدیل شده است. این در حالی است که به تاریخ ۲۲ اسد سال



ایران و تجاری که در اختیار طالبان قرار می دهد



عشق دوجانبه چین و طالبان

فرمایشی نظام جمهوری در افغانستان و برگشت طالبان به قدرت، در موضع چین در قبال افغانستان تغییر قابل ملاحظه ای وارد نکرد...



فرار گسترده از نظام به اصطلاح اسلامی

گزارش‌ها و تصاویر پخش شده از تجمع انبوه مردم برای دریافت پاسپورت در شهرهای مختلف و تلاش گسترده برای ترک افغانستان، از پدیده‌هایی است که از ابعاد مختلفی جای تامل دارد. این هجوم وسیع برای دریافت پاسپورت در تاریخ این کشور سابقه نداشته است، تا جایی که قیمت یک جلد پاسپورت در بازار سیاه را دلالاتی که با طالبان شریکند، به چند هزار دالر امریکایی رسانده‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد که بخش اعظم مردم افغانستان در صدد فرار از سایه این نظامند و خود را به آب و آتش می‌زنند تا راهی برای خروج از افغانستان پیدا کنند، به هر جایی از جهان که ممکن باشد.

نویسنده مشهور، یووال نوح هراری، در جایی گفته بود که مردم با پاهای‌شان به نظام‌ها رای می‌دهند نه با دستان‌شان، و توضیح داده بود که هجوم مردم به هجرت و پناهنده‌گی نشان می‌دهد که آنان به سوی کدام کشورها روانند. در واقع آنان به همان نظام‌ها رای داده‌اند. هیچ کسی در جهان امروز نمی‌خواهد به افغانستان مهاجر شود، جز تروریست‌های مسلحی که عرصه بر آنان در دیگر کشورها تنگ شده است. طرفه آن که حتا افراطی‌های غیرمسلحی که در بیست سال جمهوریت تیشه گرفته و شبانه‌روز بر ریشه آن نظام می‌کوبیدند، پیش از همه راه فرار از نظام به اصطلاح اسلامی را در پیش گرفتند و راهی سرزمین‌های سکولار شدند. این همان تایید سخن هراری است که معیار دقیق رای‌دهی پاهاست، نه دست‌ها. این به این معناست که چیزی در عالم واقع به نام نظام سیاسی اسلام وجود ندارد، و آن چه امکان تحقق دارد نظام سیاسی گروه‌های بنیادگرای افراطی است که هر کدام بنا بر قرائت خاص خود از اسلام برپا می‌کند تا منافع خاص خود را از آن راه به چنگ بیاورد.

این‌جا باید طالبان از خود بپرسند که چرا مردم نمی‌خواهند زیر سایه حاکمیت این گروه زنده‌گی کنند. چرا اکثریت مردم، به‌ویژه باسوادان و تحصیل‌کرده‌گان، احساس خفقان کرده و امید خود را به آینده از دست داده‌اند. چرا مردم آواره‌گی، مهاجرت، غربت، تنهایی، بی‌کسی و دیگر رنج‌های ناشی از ترک وطن را بر بودن در زیر سایه چنان سلطه‌ای ترجیح می‌دهند؛ چرا از خانه، شغل و زنده‌گی خود دست می‌کشند و پای در راه آینده‌ای نامعلوم می‌گذارند.

همچنان، باید از اعضای حزب تحریر، جمعیت اصلاح، گروه‌های سلفی و سایر سازمان‌های بنیادگرا پرسید که آیا واقعا فردای حاکمیت طالبانی و پیامدهایش قابل پیش‌بینی نبود یا تصور می‌کردید که مشترکات فکری‌تان با این گروه کافی است تا از مزایای حاکمیت آن مستفید شوید و برای آمدنش دقیقه‌شماری کنید؟ آیا جرم جمهوریت این بود که به شما اجازه تاسیس مکتب، دانشگاه، تلویزیون، رادیو و صدها بنیاد پول‌آور دیگر را داده بود؟ آیا باید به این جرم در پی براندازی آن می‌بودید که واعظان شما در تلویزیون‌ها، مساجد و تریبون‌های عمومی بی‌پروا هر چه می‌خواستند می‌گفتند؟ آیا مبالغه‌داری هنگفتی که از عربستان سعودی، قطر، کویت و سایر کشورها زیر نام دعوت به دین و به قصد ترویج سلفیت، اخوانیت و سایر ایدیولوژی‌های افراطی سرازیر می‌شد و برای دعوت‌گران شما تبدیل به خانه، ساختمان، شرکت ساختمانی، موتورفروشی و مانند این‌ها می‌شد، کفایت نمی‌کرد؟

مهم این نیست که اکنون مقصر اصلی را پیدا و او را ملامت کنیم. مهم این است که از خطاهای سهمگینی که رخ داده، درس گرفته و از تکرار آن‌ها خودداری بورزیم. نباید خطاها به منهج مقدس و به خط مشی ثابت جریان‌ها تبدیل شود. باید به جای نظام‌های ایدیولوژیک که به زبان همه گروه‌هاست، تنها به برپایی نظامی ملی و معطوف به منافع مردم تمرکز کنیم.

فاکس نیوز: جبهه مقاومت ملی به خار چشم طالبان تبدیل شده است



۸صبح، کابل: فاکس نیوز گزارش داده که با گذشت دو سال از سقوط حکومت پیشین و آغاز فعالیت‌های جبهه مقاومت ملی افغانستان، این جبهه اکنون به خار چشم طالبان تبدیل شده است. فاکس نیوز روز سه‌شنبه، ۷ سنبله، با نشر گزارشی نوشته که به‌رغم «سرکوب‌گر گسترده طالبان»، جبهه مقاومت از ادامه مبارزه و عملیات علیه این گروه دست برنداشته است.

طبق این گزارش، دو سال پس از خروج ایالات متحده امریکا از افغانستان، جبهه مقاومت مشتاق کمک غرب در مقابله با طالبان است. علی‌میثم نظری، مسوول روابط خارجی جبهه مقاومت ملی به فاکس نیوز گفته است: «امروز، به‌ویژه در این فصل جنگ، ما در بسیاری از مناطق افغانستان فراتر از پایگاه خود در دره‌های دورافتاده کوه‌های هندوکش در به چالش کشیدن طالبان موفق بوده‌ایم.»

به گفته او، این جبهه عملیات‌های چریکی را در ولایت‌های شرقی مانند ننگرهار، لغمان و نورستان راه‌اندازی کرده است و همین امر در شمال و مرکز افغانستان نیز وجود دارد. وی تصریح کرده است: «دلیل این امر این است که مردم افغانستان امروز بیش از دو سال پیش متقاعد شده‌اند که مبارزه مسلحانه تنها راه برقراری صلح و ثبات در افغانستان است.»

از جانبی، فاطمه امان، کارشناس موسسه خاورمیانه نیز در گفت‌وگو با فاکس نیوز گفته که طالبان با چالش‌های داخلی مختلفی روبه‌رویند. به گفته وی، طالبان از این میان جبهه مقاومت را به‌عنوان یک «تهدید قابل توجه» می‌بینند، چون در این جبهه شماری از چهره‌های برجسته سیاسی حضور دارند.

گفتنی است که جبهه مقاومت ملی افغانستان هم‌زمان با سقوط کشور به‌دست طالبان شکل گرفت و در دو سال گذشته درگیری‌هایی را نیز در نقاط مختلف با این گروه داشته است.

در آخرین مورد، منابع محلی در تخار از حمله راکتی جبهه مقاومت ملی بر ساختمان ولسوالی و فرماندهی امنیه طالبان در ولسوالی فرخار این ولایت خبر دادند.

روسیه: چالش‌های امنیتی در آسیای مرکزی بیشتر از سوی افغانستان است



۸صبح، کابل: در ادامه نگرانی‌ها از حضور فعال گروه‌های تروریستی در افغانستان زیر سلطه طالبان، الکسی شوتسوف، معاون شورای امنیت روسیه، می‌گوید که چالش‌های امنیتی در کشورهای آسیای مرکزی بیشتر از جانب افغانستان است.

این موضوع را روزنامه «روسسکایا گازتا» روز سه‌شنبه، ۷ سنبله، به نقل از الکسی شوتسوف، معاون شورای امنیت روسیه، گزارش داده است. شوتسوف در گفت‌وگو با این روزنامه افزوده است: «چالش‌های امنیتی روسیه در آسیای مرکزی بیشتر از سوی افغانستان است.»

این مقام روس همچنان تصریح کرده که برگشت ثبات در افغانستان ده‌ها سال به‌طول بی‌انجامد و مسکو علاقه‌مند است که این روند را کوتاه کند. معاون شورای امنیت روسیه مدعی شده است: «در ۲۰ سال حضور ایتلاف غربی در افغانستان، این کشور به مرکز تروریسم، افراط‌گرایی از جمله مهاجرت مذهبی، مهاجرت غیرقانونی، قاچاق مواد مخدر و جنایات سازمان یافته تبدیل شده است.»

وی همچنان از کشورهای غربی خواسته تا مسوولیت خود در قبال مردم افغانستان را انجام دهند.

پیش از این واسلی نینزیا، نماینده روسیه در نشست شورای امنیت سازمان ملل گفته بود که با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، چالش‌های جدید به مشکلات قدیمی این کشور اضافه شده‌اند.

به‌رغم نگرانی کشورهای همسایه از حضور گروه‌های تروریستی در کشور، اما طالبان با رد فعالیت جنگ‌جویان خارجی می‌گویند که از خاک افغانستان علیه هیچ کشوری استفاده نخواهد شد.

این در حالی است که چندی پیش یک مقام روس گفته بود که فعالیت شاخه خراسان گروه داعش در افغانستان بیش از هر زمانی دیگر افزایش یافته است.

برنامه جهانی غذا برای نزدیک به سه هزار خانواده در فراه کمک توزیع کرد

۸صبح، فراه: مقام‌های محلی طالبان در فراه از توزیع مواد خوراکی برای دو هزار و ۶۸۸ خانواده نیازمند در این ولایت خبر می‌دهند. ریاست احیا و انکشاف دهات طالبان در فراه روز سه‌شنبه، ۷ سنبله، گفته است که به دو هزار و ۶۸۸ خانواده نیازمند در ولسوالی پرچمن این ولایت از سوی سازمان غذایی جهان مواد خوراکی توزیع شد.

مواد توزیع شده شامل آرد، روغن، دال‌نخود، نمک و بسته‌های غذایی مقوی به اطفال و خانم‌های شیرده بوده است.

در همین حال، مستفیدشده‌گان از دریافت این کمک‌ها ابراز خرسندی کرده و خواهان تداوم کمک‌های موسسات شده‌اند.

رییس شورای علمای پنجشیر: رفتار جنگ‌جویان طالبان با مردم غیراسلامی و ظالمانه است

۸صبح، پنجشیر: مولوی قیام‌الدین حنیف، رییس شورای علمای پنجشیر در یک نشست مردمی، رفتار جنگ‌جویان طالبان را با باشنده‌گان این ولایت، «غیراسلامی و ظالمانه» خوانده است.

این نشست روز سه‌شنبه، ۷ سنبله، با حضور شماری از مقام‌های ارشد به‌شمول والی، فرمانده امنیه و رییس استخبارات طالبان در ولسوالی دره ولایت پنجشیر برگزار شده بود. مولوی قیام‌الدین خطاب به مقام‌های ارشد طالبان گفته است، در صورتی که جلو «ظلم» جنگ‌جویان این گروه گرفته نشود، او نیز به «کوه» بالا خواهد شد.



در همین حال، مولوی مسیح‌الله، رییس مدرسه جهادی طالبان در پنجشیر در این نشست، از غضب جایزاده‌های خانه‌های مردم و مکان‌های عام‌المنفعه در این ولایت از سوی این گروه انتقاد کرده است.

او تصریح کرده است: «زورگیری کفر است و هرکسی که جایزاده‌های مردم را غضب کند، نمازش قبول نمی‌شود.»

وی وضعیت جاری در پنجشیر را غیرقابل قبول خوانده و از مقام‌های طالبان خواسته است تا جلو اقدام‌های خودسرانه افرادشان را بگیرند. این دو تن از باشنده‌گان اصلی پنجشیر هستند.

گفتنی است که طالبان از زمان حاکمیت‌شان در پنجشیر تا کنون، صدها غیرنظامی را به بهانه‌های مختلف بازداشت، لت‌وکوب و زندانی کرده و در برخی موارد حتا به قتل رسانده‌اند. این گروه همچنان ساختمان ده‌ها باب مکتب و خانه‌های مردم محل را به سنگرهای نظامی‌شان تبدیل کرده‌اند.

سازمان صحتی جهان: میلیون‌ها تن در افغانستان با فقر یا عدم دسترسی به صحت و غذا زنده‌گی می‌کنند

۸صبح، کابل: سازمان صحتی جهان می‌گوید که افغانستان در حال حاضر با یک بحران طولانی مدت بشردوستانه مواجه است و میلیون‌ها تن در این کشور با فقر یا عدم دسترسی به صحت و غذا زنده‌گی می‌کنند.

سازمان صحتی جهان روز سه‌شنبه، ۷ سنبله، با نشر گزارشی گفته که این مشکلات پس از دهه‌ها بی‌ثباتی به‌وجود آمده است.

طبق این گزارش، ۲۸.۸ میلیون تن در این کشور به کمک‌های فوری نیاز دارند، در حالی که این رقم قبل در اگست سال ۲۰۲۱، ۱۸.۴ میلیون تن بود.

این سازمان افزوده است که به ۱۲۵ میلیون دالر بودجه اضافی برای ادامه تامین نیازهای اولیه بهداشتی تا باقیمانده سال ۲۰۲۳ نیاز دارد.

به گفته این نهاد صحتی بین‌المللی، کمبود بودجه عواقب ناگوار در پی خواهد داشت. این در حالی است که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای افغانستان نیز اعلام کرده که در حال حاضر نیمی از جمعیت افغانستان به غذا و خدمات صحتی دسترسی ندارند.



ادامه تصفیه نهادها؛

طالبان کارمندان برخه مستوفیت هارا برکنار، تنزیل بست یابه گونه جبری تبدیل مے کنند

کابل، ۸ صبح، ۸ صبح

منابع معتبر در وزارت مالیه طالبان تایید می کنند که این وزارت در شماری از ولایت های کشور روند تصفیه کارمندان را از چندی به این سو آغاز کرده است. به گفته منابع، در تازه ترین مورد وزارت مالیه طالبان تصمیم گرفته است که حدود ۱۰۰ بست را در مستوفیت های پروان و کندز برکنار، تنزیل بست یا به ولایات دوردست تبدیل کند. منابع دلیل این اقدام طالبان را تلاش برای برکناری کارمندان حکومت پیشین و جابه جایی اعضای قابل اعتماد این گروه عنوان می کنند. آنان می افزایند که طالبان حتا برخی از اعضای بومی شان را در این ولایات ها تنزیل بست یا به نقاط دوردست تبدیل می کنند. در همین حال، شماری از منابع محلی از برخورد زشت ریسان تازه معرفی شده طالبان در مستوفیت های پروان، کندز و برخی ولایت های دیگر خبر داده و می گویند که در مواردی، آنان حتا زبردستان شان را توهین و تحقیر می کنند.

دست کم دو منبع معتبر در وزارت مالیه طالبان به روزنامه ۸ صبح تایید کردند که این وزارت روند تصفیه کارمندان را در برخی از مستوفیت ها، از جمله مستوفیت های پروان، پنجشیر و کندز آغاز کرده است. یک منبع در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که قرار است دست کم ۱۰۰ کارمند مستوفیت های این سه ولایت از وظایف شان برکنار، تنزیل بست یا به نقاط دوردست کشور تبدیل شوند. به

منابع همچنان یکی از دلایل دیگر این اقدام طالبان را برکناری افراد غیرپشتون و جابه جایی افراد «قابل اعتماد» این گروه عنوان می کنند. یک منبع افزود: «همچنان در این بخش هدف این است که افراد قابل اعتمادتری همان مسیر مافیایی شدن ثروت است.»

گفته منبع، در حال حاضر نیز بیشتر کارمندان حکومت پیشین مستوفیت های این ولایات ها از وظایف شان برکنار یا تنزیل بست شده اند. منبع تصریح کرد: «قرار است کارمندان سابقه یا اخراج شوند، یا تنزیل بست داده شوند و یا هم از سه ولایت یاد شده به ولایت های دوردست مانند هلمند تبدیل شوند. در کل همان روند حذف کارمندان دولت قبلی است. فضا برای آنان به گونه ای ساخته می شود که خود ترک وظیفه کنند.»

در همین حال، یک منبع دیگر در وزارت مالیه دلیل این اقدام طالبان را برکناری کارمندان حکومت پیشین و جابه جایی اعضای خود این گروه عنوان می کند. منبع افزود: «حتا مقام های بومی طالبان را از این ولایات به

ولایت های دوردست تبدیل کردند، یا هم کارمندان بست سه را به چهار و پنج آوردند. خلاصه به گونه ای شرایط را بالای کارمندان تنگ می سازند که آنان ناگزیر شوند از وظایف شان کنار بروند. شما فکر کنید که یک کارمند بست سه که از پروان یا پنجشیر به ولایت پکتیا تبدیل شود، با معاشی که در نظر گرفته شده است، می رود؟ اصلا این امکان ندارد، اما این کار را عمدی انجام می دهند تا این کارمندان از وظایف شان کنار بروند.»

منابع همچنان یکی از دلایل دیگر این اقدام طالبان را برکناری افراد غیرپشتون و جابه جایی افراد «قابل اعتماد» این گروه عنوان می کنند. یک منبع افزود: «همچنان در این بخش هدف این است که افراد قابل اعتمادتری جابه جا شوند. این همان مسیر مافیایی شدن ثروت است. باید افراد خاصی و شاید هم در بدل پرداخت رشوت به بالای ها، در پست های کلیدی مقرر شوند.»

به گفته آنان، این روند در بسیاری از ولایات پیش از این، اجرا شده، اما در ولایت های پنجشیر، کندز و پروان به تازه گی شروع شده است. منبع افزود: «مستوفی طالبان در ولایت پنجشیر با وجود این که ملا و از خود این ولایت بود، اما به تازه گی آن را به ولایت پکتیا تبدیل کردند. می خواهند تمام کارمندان مستوفیت پنجشیر را برکنار، تنزیل بست یا به نقاط دوردست تبدیل کنند.»

در همین حال، منابع در ولایت های پروان و کندز نیز می گویند که حدود ۶۰ درصد از کارمندان سایر اقوام در مستوفیت های این دو ولایت از سوی طالبان برکنار شده اند. به گفته منابع، طالبان تصمیم دارند

که همه کارمندان حکومت های پیشین این ادارات را از وظایف شان برکنار کنند. یک منبع در ولایت پروان در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت: «یکی از کارمندان حکومت پیشین پس از برکناری اش نزد مستوفی طالبان در پروان رفت که چرا برکنارش کرده، مستوفی برایش گفته است که یک نفرشان خوش نمی آید، تشویش نکند، همه شان را برکنار می کند.»

از سوی هم، منابع محلی در ولایت های پروان، کندز و پنجشیر از برخورد زشت مستوفی های تازه معرفی شده طالبان با کارمندان شان در این ولایات ها خبر می دهند. یک منبع در ولایت پروان گفت: «مستوفی های تازه معرفی شده همواره کارمندان را توهین و تحقیر می کند. من با کارمندان هر سه ولایت صحبت کردم، تمام شان همین یک شکایت را داشتند. فضا را برای کارمندان طوری ساخته اند که از وظایف شان کنار بروند. طالبان کارمندان غیرپشتون حکومت پیشین را هم چون دشمن می نگرند و به آنان اعتماد ندارند، به ویژه در ولایت پنجشیر و پروان فکر می کنند همه کارمندان دولت پیشین با این گروه دشمن هستند.»

گفتنی است که طالبان از زمان تسلط شان به این سو، بیشتر کارمندان ادارات دولتی حکومت پیشین را از وظایف شان برکنار و به جای آنان قاری، ملا و مولوی مقرر کرده اند. با این حال، اعضای این گروه با وجود مرتکب شدن جرایمی، همچنان در موقف شان باقی می ماندند یا کرسی های دیگر به دست می آورند.

مردم طالبان

کابل، ۸ صبح، ۸ صبح

طالبان وقتی دست به هر اقدام محدودکننده ای می زنند، به نماینده گی از «مردم» این کار را می کنند. آنان مدام می گویند که آنچه کرده اند براساس خواست «مردم» بوده است؛ از وضع محدودیت های روزافزون بر زنده گی شهروندان به ویژه سلب حق آموزش، کار و تفریح زنان گرفته تا تشدید سرکوب، خشونت و کشتار مردم به بهانه تامین امنیت. کسی از این «مردم» نپرسیده است که آیا آنچه طالبان به نماینده گی از آنان انجام می دهند را تایید می کنند یا نه؟ مکانیسم هایی که به واسطه آن ها می توان پاسخ این پرسش را پیدا کرد، تفکر طالبانی آن ها را به رسمیت نمی شناسد. اصلا اگر گروه طالبان این مکانیسم ها را بپذیرد، دیگر باید نام تازه ای روی آن بگذاریم. طالبان به هیچ نوع از الگوهای نماینده گی باورمند نیستند؛ سازوکاری که مردم از طریق آن به دولت ها مشروعیت می دهند. هنگامی که دولت ها از مشروعیت مردمی برخوردار شدند، برای تداوم سلطه سیاسی شان چاره ای ندارند جز این که مردم مورد نظرشان را بازتولید کنند.

طالبان اما بدون کسب مشروعیت از مردم، نیروی اخته، بی تفاوت، گیج، ترسو و فاقد کنش سیاسی را آفریده اند که تنها در ظاهر نام مردم را یدک می کشد و شباهت زیادی به مردم واقعی ندارد. مردم معنزدایی شده و سپس مطابق به خواست طالبان معناگذاری شده اند. در واقع، نام اصلی مردم طالبان، امت یا رعیت است؛ نیرویی که فاقد قدرت و شعور سیاسی برای انتخاب نماینده/نمایندگان خود است و صرفا آنچه اربابان قدرت می گویند را می پذیرد و هیچ بلندپروازی ای ندارد. بی تفاوت و نظاره گر

مردم طالبان در برابر آنچه بر آنان و پیرامون شان می رود، کرخت و بی تفاوتند. این سستی و بی تفاوتی از آنان نیرویی ساخته که حتا در برابر تغییرات سیاسی کلان هیچ واکنشی از خود نشان نمی دهد و صرفا

مردم طالبان مسخ شده اند. این مسخ شده گی زاده عواملی است که در بالا به آن ها اشاره شد. مردمی که طالبان موفق به آفرینش آن شده اند، چون ترسو، افسرده، ناامید، فرمان بر و بی تفاوتند، شوق و انگیزه ای برای حضور بیدار و فعال در جامعه ندارند و به این دلیل، نسبت به کنش سیاسی در برابر وضعیت موجود بی میلند و به زنده گی در جامعه فاجعه زده و بحرانی عادت کرده اند. این مردم، درگیر روزمره گی شده و قصدی برای بازسازی و احیای خودشان ندارند.

به این ترتیب، طالبان می توانند هر اقدام و تصمیم مردم ستیز و ضدانسانی خود را زیر نام «خواست مردم» جا زده و با خیال راحت آن را تطبیق کنند. طالبان به خوبی می دانند که مردم ساخته و پرداخته آن ها فاقد زبان اعتراض در برابر هر اقدام سیاسی هستند. نیرویی که از زبان اعتراض در برابر سیستم ها برخوردار نباشد، در واقع وجود ندارد.

در جریان دو سال گذشته، تنها زنان افغانستان با مقاومت شجاعانه در برابر سیاست سرکوب و مهار طالبان ثابت کردند که خواستار بدل شدن به مردم مورد نظر این گروه نیستند. زنان افغانستان گرچه تا کنون نتوانسته اند حمایت بقیه مردم را به دست آورند؛ اما در حد توان نشان داده اند که سیاست مسخ طالبانی را نمی پذیرند. اعتراض های زنان هرچند کوچک و فشرده است؛ اما اثرگذاری خوبی داشته و تا این جای کار هزینه تعامل جهان با طالبان را بالا برده است. در حال حاضر، چهره مقاومت مدنی در برابر امارت طالبانی زنانه است. گویی تنها زنان افغانستان هستند که از وجدان بیدار برای مبارزه در برابر رژیم مستبد و انسان ستیز حاکم بر کشور، برخوردارند. اگر بقیه مردم افغانستان نیز با الگوگیری از زنان به این مقاومت بپیوندند، عمر رژیم منحط طالبانی که در حال حاضر فاقد مشروعیت داخلی و خارجی است، خیلی کوتاه تر از آنی خواهد بود که پیش بینی می شود.

زنده بمانند و آینده روشنی برای کشور خود بسازند، باید از شکست های شان درس گرفته و در پی تدارک ضدحمله باشند. تنها از این طریق است که می توان پروژه احیای مردم طالبان را سبوتاز کرد.

ناامید و افسرده

افزایش آمار خودکشی به ویژه در میان زنان، نشان از فاجعه ای دارد که با به قدرت رسیدن طالبان دامنه وسیع تر و گسترده تری یافته است. در دو سال گذشته که بیکاری و فقر بیش تر از پیش تشدید یافته و افزون بر آن، محدودیت ها بر زنده گی روزانه مردم نیز اعمال شده است، فاز جدیدی از ناامیدی و افسرده گی را شاهد بوده ایم. در حکومت پیشین نیز میزان ناامیدی و افسرده گی بالا بود؛ اما در رژیم طالبانی به شمار عوامل ناامیدی و افسرده گی افزوده شده است. در حکومت پیشین دست کم کسی به خاطر شنیدن موسیقی، تراشیدن ریش، گذاشتن موی بلند، اشتراک نکردن در نماز جماعت، نپوشیدن چادری و ... مجازات نمی شد. در حاکمیت طالبانی، مردم تنها به خاطر گسترش دامنه بیکاری و فقر افسرده شده و دست به خودکشی نمی زنند. بسیاری به این دلیل ناامید و افسرده می شوند که در زنده گی نیم بندشان در افغانستان زیر کنترل طالبان، حتا اجازه ندارند آزادانه سفر کرده، به خواست خود لباس پوشیده و یا سروصورت شان را بیارایند. در این عصر و زمانه، اعمال قیدوبند بر نحوه زنده گی انسان ها باید هم غیرقابل قبول و اضطراب آور باشد.

مسخ شده



شاه چراغ و سرازیری تهدیدات به ایران؛

آیا پای طالبان در میان است؟

حسین احسانی

زیارت شاه چراغ ایران، برای بار دوم مورد حمله نیروهای بنیادگرای اسلامی قرار گرفته است. تفاوت ماهوی حمله پیشین با حمله جدید، در سکوت کانال‌های تبلیغاتی گروه‌های بنیادگرای اسلامی است. سوال اساسی این جاست که چه گروهی شاه چراغ را مجدداً مورد حمله قرار داده است؟ این یادداشت در صدد است تا به واکاوی عاملان احتمالی حمله اخیر بر شاه چراغ بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که آیا افغانستان پساسقوط، منبع سرازیری تهدیدات به ایران است؟

بنابر منابع دولتی ایران، مهاجم بر شاه چراغ در روز ۲۲ اسد ۱۴۰۲، یک جنگجوی بنیادگرای اسلامی به نام رحمت‌الله نوروزف و با نام مستعار سلمان اسلمپار از بدخشان تاجیکستان بوده که در کشور ترکیه به داعش پیوسته است و در افغانستان مدت سه ماه به آموزش نظامی پرداخته است. اما این روایت تا چه میزان می‌تواند با واقعیت روی زمین و پویای امنیتی افغانستان از سه منظر محورهای تدارکاتی، ارتباطات سازمانی و اختلافات شبکه‌ای طالبان پس از سقوط صحت داشته باشد؟

از ترکیه تا بدخشان و محورهای تدارکاتی

حضور جنگجویان خارجی دولت اسلامی عراق و شام و دیگر گروه‌های تروریستی امریکه و عراقی نیست. این پروسه زمانی آغاز شد که بخش عظیمی از جنگجویان اوزبیک‌تبار و تاجیک‌تبار جبهه النصره (هیات تحریر شام) پس از شکست‌های پی‌درپی در مقابل دولت اسلامی عراق و شام در سال‌های منازعه دولت اسلامی عراق با جبهه النصره، به شمال افغانستان بازگشتند. این جنگجویان توسط یک محور تدارکاتی خود را از ادلب سوریه به شهر وان در ترکیه و به ترتیب از ارومیه، زنجان، قزوین، تهران، بیرجند، زابل و سپس به نیمروز می‌رساندند و از آن جا به قسمت‌های شمالی افغانستان منتقل می‌شدند. نگارنده برای تکمیل کتابی در مورد دولت اسلامی



امین دلشنین - زندان امنیت ملی دولت پیشین افغانستان - عکس از اطلاعات روز

ولایت خراسان، با جنگجویان دولت اسلامی ولایت خراسان در زندان‌های مختلف دولت پیشین افغانستان مصاحبه کرده است. یک جنگجوی ایرانی داعش در زندان امنیت ملی دولت پیشین افغانستان گفته بود که او در ارومیه توسط کانال‌های تبلیغاتی داعش در تلگرام جلب و جذب شده و سپس با همکاری فردی به نام ابوالاحمد همین مسیر را برای رسیدن به افغانستان طی کرده بود. امین دلشنین گفته بود که تذکره و پاسپورت افغانستان را در نزدیکی مرز نیمروز از ابوالاحمد دریافت کرده است. فرهاد یک جنگجوی تاجیکستانی دولت اسلامی ولایت خراسان می‌گوید که او همین مسیر داخل ایران را پیموده، اما از طریق مرز اسلام‌قلعه وارد هرات شده است.

سه جنگجوی اردنی دیگر نیز در مصاحبه‌ای با الجزیره مدعی شده بودند که بعد از فرار به ارومیه، به جمع جنگجویان اوزبیکستانی و تاجیکستانی پیوسته‌اند و پس از آن که نیروهای امنیتی ایران آن‌ها را دستگیر کردند، این سه فرد اردنی مدعی شده بودند که ملیت آن‌ها اوزبیکستانی است و به همین جهت نیروهای ایرانی آن‌ها را به همراه دیگر



از چپ به راست، احمدزید با نام مستعار مالک زاید، و دو جنگجوی اردنی داعش خراسان - دفتر والی ننگرهار



فرهاد (نام مستعار) جنگجوی تاجیکستانی - زندان امنیت ملی دولت پیشین افغانستان - عکس از تلویزیون یک افغانستان

حضور جنگجویان خارجی دولت اسلامی

عراق و شام و دیگر گروه‌های تروریستی امریکه و عراقی نیست. این پروسه زمانی آغاز شد که بخش عظیمی از جنگجویان اوزبیک‌تبار و تاجیک‌تبار جبهه النصره (هیات تحریر شام) پس از شکست‌های پی‌درپی در مقابل دولت اسلامی عراق و شام در سال‌های منازعه دولت اسلامی عراق با جبهه النصره، به شمال افغانستان بازگشتند.

و کامیابان زنده‌گی کرده است. به نظر می‌رسد که اسلم‌پار پس از پیوستن به دولت اسلامی عراق و شام در ترکیه، همین مسیر را طی کرده و به افغانستان جهت آموزش‌های نظامی رفته است. اما سوال مبهم این جاست که چرا مقامات امنیتی ایران نیز از رفت‌وآمد این جنگجو و عاملان حادثه پیشین شاه چراغ مطلع نبوده‌اند. همچنین این طور به نظر می‌رسد که جهادی‌های بنیادگرا بدون اجازه مسوولان امنیتی ایران قابلیت تردد میان شهرها و مرزها برای انتقال از مکانی به مکان‌های دیگر را ندارند؛ اما این که چرا مقامات ایرانی زمینه انتقال این جنگجویان را فراهم می‌کنند، مشخص نیست.

ایران تنها یک محور مواصلاتی جنگجویان بنیادگرای اسلامی از افغانستان به مناطق تحت منازعه عربی و بالعکس نبوده است. بلکه ایران به‌عنوان پناهگاه جنگجویان بوده است و از این پناهگاه جهت برنامه‌ریزی برای حملات مختلف در مناطق تحت منازعه استفاده می‌شده است. یک مقام ارشد اطلاعاتی دولت پیشین افغانستان به شرط عدم افشای نامش گفت: «سرنخ حمله بر شفاخانه صد بستر دشت برچی به تاریخ ۲۳ ثور ۱۳۹۹، به تهران می‌رسد.» یک مقام ارشد اطلاعاتی دیگر دولت پیشین افغانستان به شرط عدم افشای نامش اضافه می‌کند که «برنامه‌ریزان این حمله اعضای دولت اسلامی بوده‌اند. دو تن آن‌ها در محله یافت‌آباد تهران در یک فابریکه فرنیچر مشغول کار بوده‌اند و یکی دیگر از اعضای آن، در یک سوپرمارکت در منطقه ۱۸ تهران وظیفه داشته است.»

جنگجویان تاجیکستانی و طالبان

اگر اعترافات نشر شده توسط منابع رسانه‌ای ایران درست باشد که اسلم‌پار جهت آموزش نظامی به افغانستان رفته و سپس بعد از سه ماه آموزش نظامی، برای حمله بر زیارت شاه چراغ وارد ایران شده است، صحیح باشد، این اعترافات هم به دلایل ایدئولوژیک و هم به دلایل ساختاری با مشکل مواجه است.

از منظر ایدئولوژیک، سازمان دولت اسلامی برای زمینه‌سازی تشکیل خلافت اسلامی نیازمند تطهیر جامعه از ناپاکی‌ها و زدودن عوامل اصلی فلاکت جامعه اسلامی می‌باشد. به همین جهت، نیاز است که جامعه از لوث این ناپاکی‌ها تطهیر شود تا شرایط برای تشکیل دولت اسلامی فراهم گردد. به این ترتیب، دولت اسلامی ولایت خراسان، طالبان را به‌عنوان یک نیروی مرتد، کافر و دست‌نشانده غرب می‌داند و مبارزه با آن را از اولویت‌های خود می‌داند. بنابراین، از منظر ایدئولوژیک حضور رحمت‌الله نوروزف در افغانستان باید در مسیر مبارزه با طالبان باشد، نه فراگیری آموزش‌های نظامی. چرا که از منظر تفکر سلفی جهادی، مناطق در حال منازعه مکانی برای انجام فریضه جهاد است، نه مکانی برای فراگیری آموزش‌های نظامی و تسلیحاتی. ۲۰ بر این



از راست به چپ: منیر چوکه، یاسین چوکه (ابوالبراهیم)، طاهر یوشلداغ، رهبر پیشین جنبش اسلامی اوزبیکستان (IMU)

مینا، حضور او در افغانستان و عدم مبارزه با طالبان یک امر غیرشرعی است که از نظر ایدئولوژی جهادی امر ناممکن است. از لحاظ ساختاری به این دلیل با مشکل مواجه است که رحمت‌الله نوروزف به‌عنوان یک جهادی تاجیکستانی...

ادامه در صفحه ۶

این محور مواصلاتی نیز بعد از حمله نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا بر افغانستان در سال ۲۰۰۱ در خدمت نیروهای القاعده و یا کمپ توحید و جهاد بوده است؛ به‌گونه‌ای که ابومصعب الزرقاوی بعد از بمباران کمپ توحید و جهاد، از طریق ایران خود را به شمال عراق رساند. همچنین ملاکریکار مشهور به بن‌لادن کرد، عضو القاعده، برای سال‌ها در مناطق اورامانات

ایران و تجاری که در اختیار طالبان قرار می دهد



کج محمدعلی نظری

در میان دو طرف وجود دارد و سرکوب مخالفان از مشخصه‌های بارز مشترک آن‌هاست. هر دو به زن حق قضاوت و رهبری نمی‌دهند، حجاب زن را اجباری می‌کنند و برای صدور جهاد/انقلاب تقلا دارند. یکی کاخ سفید را حسینیه می‌سازد و دیگری مسجد. با این حال، تفاوت‌هایی هم در میان آن‌ها هست. حتی در میان شباهت‌ها، دولت ایران خشونت کمتری نسبت به رژیم طالبان به کار می‌بندد، زنان در آن‌جا حقوق نسبتاً بیشتری دارند و پولیس تفتیش عقایدش مردان را به دلیل شکل مویش در بازار سیلی نمی‌زند و مویش را قیچی نمی‌کند. خصوصیات مشترک دیگر هم کم نیست که نمی‌شود همه را این‌جا فهرست کرد. این همه اشتراک، دو طرف را به هم نزدیک کرده است. از سویی، تضاد منافی هم دارند که نمی‌شود از آن چشم پوشید. در حوزه مشترکات، نیازی به انتقال تجربه وجود ندارد.

به رغم اشتراکات دو طرف، به نظر می‌رسد آن‌ها نمی‌توانند هم‌دیگر را خوب بخوانند و درک کنند. برای همین، روابطشان گاه بسیار دوستانه و زمانی هم از در دشمنی است که به لشکرکشی مرزی هم می‌کشد. وقتی به مرحله تضاد منافع می‌رسند، نمی‌توانند باهم زبان مشترک پیدا کنند. دولت ایران پیوسته از ناحیه قاچاق مواد مخدر از منبع افغانستان شکایت می‌کند و از افزایش تولید آن در افغانستان حکایت دارد، اما طالبان در جلسه با آن‌ها می‌گویند که تولید مواد مخدر را کاهش داده و علیه آن مبارزه موثر کرده‌اند. ایران مانند سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی از گسترش فعالیت‌های داعش خراسان در افغانستان نگرانی دارد، اما طالبان به هیات ایرانی می‌گویند که این گروه را نابود کرده‌اند. بنابراین، تجاری که از تهران به کابل و قندهار منتقل خواهد شد، در این حوزه‌ها هم نخواهد بود، نه در حوزه مواد مخدر و نه در حوزه مبارزه با داعش.

ایران در عرصه کشاورزی نیز کشوری پیش‌رو نیست که بتواند رژیم طالبان را مشورت موفقانه بدهد. همین حالا حیات وحش در ایران در معرض نابودی است، رودخانه‌ها به دلیل سوءمدیریت و البته خشک‌سالی در حال خشکیدن است و انتقادهای از این ناحیه رو به گسترش. افغانستان یک کشور زراعتی است و در این بخش نیاز به کمک دارد، اما نه اراده و توانی در میان طالبان در این خصوص وجود دارد و نه آن کمک از جانب ایران تامین شدنی است. همان‌طور که اشاره شد، ایران نمونه موفقی از مدیریت آب‌ها و حفظ حیات وحش و مکانیزه کردن زراعت نیست. از سویی، کدام کمک مالی هم به رژیم طالبان در حوزه زراعت نخواهد کرد. در سایر عرصه‌ها، مانند صنعت، می‌تواند تا حدی مشورت‌های مفید بدهد، اما آن مشورت‌ها بدون زیرساخت و سرمایه، سودی به کسی نمی‌رساند. از سویی، دولت ایران علاقه‌ای هم به انتقال تجارب در آن عرصه‌ها ندارد. حوزه‌های مورد علاقه دولت ایران، وضع محدودیت و ایجاد ارتش خصوصی است که قبلاً به انتقال آن تجربه‌ها اقدام کرده و طالبان را یاری رسانده است.

مهم‌ترین تجربه‌ای که دولت ایران دارد، مدیریت جامعه تحت شدیدترین تحریم‌هاست. قناعت دادن مردم به این‌که فقر به نفع آن‌هاست و تحریم‌ها تأثیری بر زنده‌گی آن‌ها ندارد، هنری است که «نزد دولت ایران است و بس». سرکوب اعتراض‌ها، سرکوب آزادی بیان، اسلامی‌سازی مکاتب و دانشگاه‌ها، مدرسه‌سازی، تبعیض علیه اقلیت‌های مذهبی و قومی، اجرای حکم اعدام، تبعیض علیه زنان و هر چیزی از این دست که ایران در آن خبره است، طالبان آن راه را تا انتهایش رفته‌اند، با مشورت دولت‌مردان ایران یا بدون مشورت آن‌ها. حالا در همه این حوزه‌ها، طالبان توانسته‌اند وضع مردم افغانستان را نسبت به آن‌چه دولت ایران انجام داده، بسیار وخیم سازند. حتی آخرین منفذی که برای دمی تفریح در بندامیر بامیان مانده بود، اخیراً از سوی طالبان به روی زنان بسته شده است. تبعیض بیداد می‌کند، فساد اداری و اخلاقی به اوج رسیده و کشتار غیرنظامیان و مخالفان طالبان تسریع شده است. در این حوزه‌ها، طالبان به مشورت‌های ایرانی‌ها نیاز ندارند؛ آن‌ها خود در عقب بردن کشور مهارت دارند.

بسیاری را به افراد نزدیک به خود و شرکت‌های وابسته به خود به قرارداد داده است تا از عواید آن که حسابش پیش کسی دیگر نیست، خرج ارتش شخصی اش کند. این مشورت جمهوری اسلامی ایران به طالبان و اشتراک تجربه، نیز خونین خواهد بود. اگر این ارتش به‌گونه کامل ایجاد و تجهیز شده باشد، ماموریت‌های شخصی از سوی ملا هب‌الله خواهد داشت و نسخه‌ای از سپاه پاسداران ایران خواهد بود. همان‌طوری که سپاه پاسداران ایران ماموریت‌های برون مرزی نیز دارد و رد پای آشکاری در خاورمیانه بر جا گذاشته است، ارتش خصوصی ملا هب‌الله نیز چنین ماموریت‌های برون مرزی خواهد داشت.

نشانه‌هایی از علاقه شخص ملا هب‌الله به «جهاد فرامرزی» همین حالا دیده می‌شود. او باری در صحبت با رییس‌ان منابع بشری وزارت‌خانه‌ها، از ضرورت جهاد جهانی سخن گفته و آن‌ها را مامور آماده کردن مردم برای این «جهاد» کرده است. در بند چهاردهم گزارش آن نشست که از سوی ۸ صبح نشر شد، آمده است: «در فکر حاکمیت شریعت در سراسر زمین الله متعال باشیم... اینک که به شهرها آمده‌اید، مردم شهرها را هم به دین الله متعال فرا خوانده و آنان را تا جایی با دین آشنا کنید که در تمام افغانستان حتی یک فرد هم مخالف باقی نماند؛ بلکه همه باید طوری مسلمان واقعی و مخلص شوند و شما را آن‌قدر حمایت کنند تا بتوانید نظام اسلامی را در تمام جهان حاکم سازید. هر زمانی که همه مردم افغانستان آماده قربانی برای دین شدند، در آن صورت هر کجا که امر اعزام را برای‌تان صادر نمودم، شما باید آن‌جا بروید. اگر واقعا خواهان حاکمیت دین و شریعت هستید، پس آماده قربانی شوید و زره را بپوشید». نیروهایی که از سوی ملا هب‌الله در قندهار مدیریت می‌شوند، همان زره‌پوشان آماده قربانی‌اند که در داخل کشور هم ماموریت‌هایی را انجام خواهند داد و کشتارهایی را راه خواهند انداخت و در بیرون از کشور نیز به ماموریت‌هایی اعزام خواهند شد. بنابراین، دومین تشریک تجارب جمهوری اسلامی ایران و طالبان، پس از این خونین‌تر خواهد شد.

چه تجاری منتقل خواهد شد؟
دولت مستقر در تهران، شباهت‌های بسیاری به رژیم طالبان دارد؛ هر دو مذهبی‌اند، شعار جهاد سر می‌دهند، همه چیز را به اسلامی و غیراسلامی و همه مردم را به انقلابی/مجاهد و دشمن آن تقسیم کرده‌اند. هر دو، رهبر مذهبی قدرتمندی دارند که مافوق قانون هستند و از همه سیاستمداران و شهروندان عام و خاص اطاعت محض می‌خواهند. زنان را از مردان جدا می‌کنند و از معدود حاکمیت‌هایی‌اند که در قرن بیست‌ویک پولیس تفتیش عقاید دارند. علاقه شدیدی به صدور و اجرای احکامی مانند اعدام

دولت مستقر در تهران، شباهت‌های بسیاری به رژیم طالبان دارد؛ هر دو مذهبی‌اند، شعار جهاد سر می‌دهند، همه چیز را به اسلامی و غیراسلامی و همه مردم را به انقلابی/مجاهد و دشمن آن تقسیم کرده‌اند. هر دو، رهبر مذهبی قدرتمندی دارند که مافوق قانون هستند و از همه سیاستمداران و شهروندان عام و خاص اطاعت محض می‌خواهند.

اجتماعی بازداشت، شکنجه و حتا کشته شده‌اند. نمونه جدید آن قتل خانم حورا سادات، یوتیوبر، در کابل است. در این مدت تعدادی از افراد تحت تعقیب طالبان از طریق تلفن‌ها و شبکه‌های مجازی شناسایی و سپس بازداشت شده‌اند. برخی از آن‌ها پس از تحمل غیرانسانی‌ترین شکنجه‌ها و سپس پرداخت پول آزاد شده‌اند، تعدادی هنوز شکنجه می‌شوند، کسانی کشته شده‌اند و گروهی هم به‌گونه اجباری «ناپدید» ساخته شده‌اند. این خدمات و انتقال تجربه از ایران و برخی دیگر از همسایه‌ها به طالبان، تا کنون زنده‌گی بسیاری را گرفته، خانواده‌های زیادی را بر گلیم غم نشانده، زانی را بیوه و کودکانی را یتیم کرده است. تا این‌جا کار، فرستادن تیم تخنیکی برای مدیریت تلفن، انترنت و رسانه از تهران به کابل، یک ماموریت خونین برای مردم افغانستان بوده است. مشورت دوم جمهوری اسلامی ایران به رژیم طالبان، ساختن ارتش خصوصی است. این مشورت گویا از جانب شخص علی خامنه‌ای، رهبر مذهبی جمهوری اسلامی ایران، به هب‌الله آخوندزاده، رهبر گروه طالبان، داده شده است. گفته می‌شود براساس این مشورت، ملا هب‌الله ارتشی چهار هزار نفری شخصی در قندهار ساخته که از پرسونل وزارت دفاع، وزارت داخله و استخبارات این گروه مجزاست و از شخص رهبر طالبان دستور می‌گیرد. در روزهای پایانی سال گذشته خورشیدی، رحمت‌الله نبیل، رییس امنیت ملی در دولت جمهوری، نیز گفت که ۶۰ میلیارد افغانی از بودجه وزارت مالیه به دفتر ملا هب‌الله در قندهار منتقل و خرج ایجاد این ارتش چهار هزار نفری شده است. گفته می‌شود که دفتر علی خامنه‌ای در جریان ایجاد این ارتش، مشورت دوام‌دار به قندهار داده است. همچنان ملا هب‌الله آخوندزاده معادن

اخیراً یک هیات هفت‌نفره از اعضای مجلس نماینده‌گان جمهوری اسلامی ایران به کابل آمده و با برخی مقام‌های طالبان ملاقات و گفت‌وگو کرده است. این هیات با مولوی عبدالکبیر معاون سیاسی ریاست‌الوزرای طالبان، امیرخان متقی وزیر خارجه، قلندر عباد وزیر صحت عامه، نورجلال جلالی معاون وزیر داخله و برخی دیگر از مقام‌های این گروه دیدار کرده است. در این دیدارها، موضوعات مختلفی مطرح شده است که یکی از آن‌ها انتقال تجربیات دولت ایران به رژیم طالبان است. ضیااحمد تکل، معاون سخنگوی وزارت خارجه طالبان، گزارشی از نشست این هیات با امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان را در توئیتر خود نشر کرده است. در بخشی از این گزارش می‌خوانیم: «آن‌ها [اعضای هیات پارلمان ایران] همچنان افزودند که ایران آماده است تجارب خویش را در موارد مختلف با امارت اسلامی افغانستان شریک کند.» حال، شریک کردن تجارب دولت ایران با رژیم طالبان، چه معنا دارد و این تجارب چه خواهد بود؟

این بار اول نیست که مساله انتقال تجارب جمهوری اسلامی ایران به گروه طالبان در میان می‌آید. پیش از این نیز در مواردی عملاً تجارب ایرانی‌ها به گروه طالبان منتقل شده و مورد استفاده قرار گرفته است. همان اوایل سلطه مجدد طالبان بر افغانستان، گزارش شد که گروهی از نیروهای تخنیکی جمهوری اسلامی ایران در منطقه پل سرخ کابل مستقر شده است تا طالبان را در استفاده از تکنولوژی، مدیریت و سانسور رسانه‌ها، مدیریت و سانسور شبکه‌های اجتماعی و مدیریت مخابرات کشور مشورت بدهد و همکاری کند. براساس گزارش رسانه‌ها، آن گروه ۵۴ عضو دارد و «سیدحسام رضوی، رییس دفتر منطقه‌ای خبرگزاری تسنیم، محسن اسلام‌زاده، سازنده مستند «تنها میان طالبان»، علی‌رضا کمیلی، فعال رسانه‌ای وابسته به سپاه پاسداران و عبدالحمید نورزایی، دانشجوی و فعال رسانه‌ای افغان ساکن ایران که از حامیان طالبان است، از مدیران این کمیته» بوده‌اند. براساس این گزارش، «ارایه مشاوره به کارکنان رسانه‌ای طالبان، تقویت تولید محتوای تبلیغاتی، آموزش جنگ روانی، تولید محتوا از داخل افغانستان برای رسانه‌های ایران و کنترل فضای رسانه‌ای میان طالبان و ایران» از دیگر ماموریت‌های این تیم است. گفته می‌شود در کنار این کمیته ایرانی، تیم‌هایی از دیگر کشورهای همسایه که با طالبان قرابت دارند، نیز خدمات مشابهی ارائه می‌کنند. از آن زمان تا کنون که این تیم‌ها در کنار گروه طالبان برای کنترل وضعیت اجتماعی و شبکه‌های رسانه‌ای فعالیت می‌کنند، ده‌ها خبرنگار و فعال شبکه‌های

عشق دوجانبه چین و طالبان



کج شجاع‌الدین امینی

فروپاشی نظام جمهوری در افغانستان و برگشت طالبان به قدرت، در موضع چین در قبال افغانستان تغییر قابل ملاحظه‌ای وارد نکرد. رابطه‌ای را که چین با دولت پیشین داشت، با طالبان نیز حفظ کرده است. سفارت چین در کابل باز است و همین‌طور سفارت افغانستان در بیجینگ به طالبان تحویل داده شده است. وانگ یی، وزیر خارجه چین، در ۲۴ مارچ ۲۰۲۲ به کابل آمد و با مقام‌های طالبان دیدار و گفت‌وگو کرد. سفر مقام بلندپایه قدرت بزرگی چون چین به افغانستان تحت اداره طالبان، حایز اهمیت است و حکایت از عمق رابطه میان طرفین دارد. بیجینگ در ۳۱ مارچ همان سال برای دو روز میزبان نشست همسایه‌گان افغانستان در سطح وزیران خارجه بود که به نماینده‌گی از طالبان، مولوی امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه این گروه، حضور داشت. همین‌طور، در ۶ می سال روان، نماینده‌گان چین با طالبان به میزبانی پاکستان در اسلام‌آباد دیدار و گفت‌وگو کردند. چین شاید تنها همسایه‌ای برای افغانستان باشد که تا هنوز علیه سلطه طالبان موضع تند و منتقدانه اتخاذ نکرده است. همین‌طور، طالبان به تامین رابطه با چین بهای زیادی داده و آن را شریک مهم عنوان کرده‌اند.

پرسش این است که طالبان برای چین و چین برای طالبان چه جذابیتی دارد؟

۱. چین، قدرتی بزرگ است

نیرومندی چین در عرصه بین‌الملل، برای طالبان جذابیت دارد. چین، عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد است و از حق «وتو» در این شورا را دارد. انتظار طالبان این است که این کشور از نفوذش در شورای امنیت سازمان ملل استفاده کرده و از اعمال تحریم‌های بیشتر علیه این گروه جلوگیری کند. برای نمونه، زمانی که بحث تمدید و عدم تمدید سفر مقام‌های طالبان در شورای امنیت سازمان ملل داغ بود، چین به‌صراحت به حمایت از طالبان برخاست و بر تمدید جواز سفر مقام‌های این گروه تاکید ورزید. همین‌طور، بیجینگ بارها از ایالات متحده خواسته تا دارایی‌های بلوکه‌شده افغانستان در بانک‌های خارج را آزاد کند. همچنان، نفوذ چین بر جمهوری‌های آسیای میانه را نمی‌توان نادیده انگاشت. این کشور حتی بیش از روسیه در آسیای میانه نفوذ دارد. گفته می‌شود که در پذیرش دیپلمات‌های طالبان از سوی قزاقستان نیز اصرار چین موثر بوده است. اگر چین برای به‌رسمیت‌شناسی امارت طالبان پیش‌گام شود، کشورهای زیادی از جمله روسیه، ایران، جمهوری‌های آسیای میانه، پاکستان و شاید شورای همکاری خلیج فارس را به دنبال خود بکشاند؛ چون گوش این کشورها بدهکار سخن چین است.

۲. چین مداخله‌گر نیست

سیاست خارجی چین به‌گونه سنتی استوار بر اصل عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورهاست. برای چین مهم نیست که در افغانستان دموکراسی برقرار است یا استبداد. چیزی که برای این کشور مهم است، ثبات است تا در سایه آن بتواند اهداف اقتصادی‌اش را بدون آن که هزینه سنگینی کف دستش بگذارد، دنبال کند. مطالبات چین از

می‌بیند. همین‌طور، طالبان از موضع اسلام‌گرایی با ارزش‌های لیبرال دشمنی می‌ورزند. کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده، طالبان را به خاطر نقض حقوق بشر، حقوق زن و عدم تشکیل دولت فراگیر ظاهراً سرزنش می‌کنند، ولی موضع چین در زمینه‌های فوق مبتنی بر سکوت بوده است. این کشور حتی از اعمال فشار بر طالبان به منظور ایجاد دولت فراگیر پرهیز کرده است. این در حالی است که ایجاد دولت فراگیر دموکراتیک در افغانستان ثبات می‌آورد، نه امارت مطلقه طالبان. این وجه مشترک سبب شده تا نگاه چین به طالبان، نگاه به یک گروه ایدیولوژیک افراطی نباشد.

۵. پاکستان، عامل وصل چین و طالبان است

پاکستان به‌مثابه بانی و حامی دیرین طالبان، افسار این گروه را در دست دارد. دوستی و دشمنی طالبان با یک کشور قطعاً متأثر از موضع پاکستان نسبت به آن کشور است. همین‌طور، از پاکستان به‌مثابه «دوست آهنین» چین یاد می‌شود. پاکستان که خواستار بقای امارت طالب در افغانستان است، چین را به داشتن رابطه با این گروه ترغیب می‌کند. چین نیز با استفاده از پاکستان، می‌خواهد سطح خطرپذیری‌اش در افغانستان را کاهش دهد. همچنان، چین خواهان اتحاد میان طالبان و پاکستان است؛ چون با موجودیت نزاع میان این دو، نمی‌تواند به‌درستی اهداف اقتصادی‌اش در افغانستان را دنبال کند. موضع چین و پاکستان در قبال طالبان، تقریباً یک‌سان است: عدم اعمال فشار بر این گروه. در علاقه سایر کشورها به تامین رابطه با طالبان نیز نمی‌توان نقش اسلام‌آباد را نادیده گرفت. اوزبیکستان و ترکمنستان هر دو رابطه گرم و عاری از ابهام با طالبان دارند و نقش لابی‌گری پاکستان در این زمینه برجسته است؛ چون پاکستان با استفاده از مسیر افغانستان می‌خواهد به بازار آسیای میانه راه پیدا کند.

۶. طالبان به مطالبات چین تمکین می‌کنند

مطالبات چین از طالبان به دو مورد خلاصه می‌شود: مهار جنبش اسلامی ترکستان شرقی و بازگذاشتن دست این کشور در استخراج منابع طبیعی. طالبان به هر دو مطالبه چین رسیده‌گی کرده‌اند. پس از ختم نشست سه‌جانبه به میزبانی اسلام‌آباد، وانگ ونبین، سخنگوی وزارت خارجه چین، از دادن تعهد کتبی طالبان به این کشور برای سرکوب اوبغورها خبر داد. این در حالی است که طالبان به هیچ کشوری حتی پاکستان که متحد راهبردی آن‌هاست، در زمینه مبارزه با تروریسم تعهد کتبی نداده‌اند. این امر حکایت از نفوذ عمیق چین بر طالبان و همچنان جذابیت این کشور برای این گروه دارد. این در حالی است که اوبغورها چنانی که از سوی چین بزرگ نمایانده می‌شوند، نیستند. نگرانی چین در زمینه از جای دیگری ناشی می‌شود و آن این‌که اوبغورها مبادا به ابزاری در دست امریکا تبدیل شوند. ایالات متحده در سال ۲۰۰۴، جنبش ترکستان شرقی را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده بود، ولی در نوامبر ۲۰۲۰ از آن خارج کرد و نگرانی چین را دوچندان ساخت.

طالبان در خصوص استخراج منابع طبیعی نیز به خواست چین لبیک گفته‌اند. مهم‌ترین نمونه آن، امضای قرارداد استخراج نفت حوزه آمودریا در جنوری سال روان با شرکت چینی «پترولیم و گاز شین‌جیانگ در آسیای میانه» (CPEIC) است. انتشار این خبر واکنش‌های زیادی را برانگیخت؛ چون امارت طالب از سوی دنیا به رسمیت شناخته نشده است و نمی‌تواند منابع طبیعی افغانستان را خودسرانه به حراج گذارد.

شور و شوق طالبان برای پیمان بستن با چین، دو دلیل دارد: اول این‌که طالبان با استفاده از توان اقتصادی چین می‌خواهند اقتصاد ویران‌شده افغانستان را سر پا نگه دارند. دوم این‌که طالبان ادعا می‌کنند که از سوی کشورهای غربی تحت تحریم قرار دارند و با سود حاصله از منابع طبیعی، می‌خواهند زبان تحریم‌ها را کاهش دهند.

از صفحه ۴

آیا پای طالبان...

باید در مناطقی حضور پیدا کند که حداقل رهبری و یا فرماندهی میانه تاجیکستانی وجود داشته باشد. پراکنده‌گی نیروهای تاجیکستانی در شمال افغانستان قابل مشاهده است؛ جایی که سنگینی سایه قاری فصیح‌الدین، رییس ستاد ارتش گروه طالبان، قابل حس است. او پس از حملات مختلف دولت اسلامی ولایت خراسان در بدخشان، توجه ویژه‌ای روی مبارزه با داعش دارد. از این حیث، نیروهای قاری فصیح‌الدین چطور نتوانسته‌اند پایگاه آموزشی‌ای که اسلم‌پار در آن آموزش نظامی دیده را رصد و شناسایی کنند؟ به نظر می‌رسد که بیش‌تر از آن که رحمت‌الله نوروزف تحت تاثیر سازمان دولت اسلامی باشد، به‌طور احتمالی پیوندهای سازمانی محکم‌تری با تحریک طالبان تاجیکستان و یا جماعت انصارالله داشته باشد. تحریک طالبان تاجیکستان به رهبری مهدی ارسلان فعالیت‌های چشم‌گیری در شمال افغانستان دارد و کنترل برخی از مناطق شمال افغانستان را عهده‌دار است. به لحاظ سنتی، جماعت انصارالله علاوه بر این که تحرکاتی را علیه دولت تاجیکستان انجام داده است، دوشادوش جنگ‌جویان قاری فصیح‌الدین در ولسوالی‌های کوفاب، شیکو، میامی و نسی علیه نیروهای دولت پیشین افغانستان جنگیده و پس از سقوط دولت افغانستان، سهم برجسته‌ای در مناصب امنیتی شمال کشور به‌دست آورده، تا جایی که جغرافیای نفوذ خود را در شمال مستحکم کرده است.

اختلافات داخلی طالبان

براساس گزارش‌ها، تراکم حضور مستشاران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در قندهار، پایگاه ملا هبت‌الله آخوندزاده قابل توجه است. این نیروها در صدد هستند تا مشورت‌های استخباراتی خود را به رهبر طالبان برای پیش‌برد اهداف گروه طالبان ارائه دهند. حضور این مستشاران در قندهار، نارضایتی برخی از جناح‌های مخالف طالبان از جمله سراج‌الدین حقانی را در پی داشته است که در سخنرانی‌های گوناگون نارضایتی خود را به شیوه‌های مختلف بیان کرده است.

شاید این طور به نظر برسد که شبکه حقانی در صدد انتقام‌گیری از حضور گسترده مستشاران ارشد سپاه در قندهار است که به جناح ملا هبت‌الله مشوره‌هایی برای تحکیم و تکثیر قدرت می‌دهند. به همین علت، منابع میدانی در قسمت‌های غربی افغانستان گزارش داده‌اند که بخشی از روند وزیرستان‌سازی در حوزه غرب افغانستان توسط شبکه حقانی در حال انجام است و بدنه این روند را جنگ‌جویان تحریک طالبان پاکستان و جنگ‌جویان فراملی دیگر تشکیل می‌دهند. با این وجود، امکان دارد که شبکه حقانی با همکاری قاری فصیح‌الدین دست به پرتاب تهدید به سمت ایران با هدف گرفتن انتقام از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی زده باشد. شایان ذکر است که قاری فصیح‌الدین زمانی معاون کمیسیون نظامی شورای پشاور می‌شود که این کمیسیون با شبکه حقانی ادغام می‌گردد و برنامه‌ها و عملیات‌های مشترک را در برخی از نقاط افغانستان انجام می‌دهند.

بنابراین، عامل حمله بر زیارت شاه‌چراغ برای بار دوم، بیش‌تر از این که وابسته به دولت اسلامی باشد، همسویی سازمانی‌اش، با توجه به شواهد روی زمین، با تحریک طالبان تاجیکستان قابل مشاهده است. با توجه به عدم قبول مسوولیت حمله بر زیارت شاه‌چراغ توسط دولت اسلامی عراق و شام، این فرض محتمل‌تر می‌شود. اگر این فرض به اثبات برسد، به نظر می‌رسد که سرازیری تهدیدات جنگ‌جویان جهادی از افغانستان به ایران به امر خطرناک تبدیل می‌شود و افغانستان تحت سلطه طالبان به منبع تهدید برای ایران مبدل خواهد شد. از سوی دیگر، این مساله خلاف توافق دوحه است و افغانستان تحت سلطه طالبان به منبع تهدید ایران بدل شده است. این فرض در گذشته با حملات مکرر مرزی و درگیری‌های ارضی در مناطق شرقی ایران، مشکلات حقایق آب و حمله یک بنیادگرای جهادی اوزبیک‌تبار افغانستان در حرم علی ابن موسی الرضا در مشهد، به اثبات رسیده است. این که دامنه و وسعت تهدید تا چه میزان است، هنوز مشخص نیست.

۱- ودینگتون، شان، احسانی، حسین، (۲۰۲۰) دولت اسلامی ولایت خراسان، نسخه چاپی، انسیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، کابل.

۲- ناجی، ابوبکر (۲۰۰۴) إدارة التوحش أخطر مرحلة ستمر بها الأمة



فرار و فروش یک ملت!

به کدام قیمت؟

کلمه عالم عبدالله

ساعت از ۹:۰۰ شب گذشته بود که شبکه تلویزیونی عربزبان الجزیره با نشر زنده از ارگ ریاست جمهوری افغانستان، یک فرمانده نه‌چندان مهم و شناخته‌شده طالبان را در کرسی رییس جمهور نشان داد، در حالی که فرمانده نیروهای پی‌پی‌اس (واحد محافظت از رییس جمهور) آن طالب را مشایعت و با وی «بیعت» می‌کرد.

روز ۱۵ اگست ۲۰۲۱، کابل آفتابی، قشنگ و آرام بود. بدون درنظرداشت آن‌چه در یک ماه پسین در ولایات اتفاق افتاد، وضعیت کابل همچون هوایش، آرام و لذت‌بخش بود. پس از صرف صبحانه، روانه دفتر شدم. من آدمی پرمشغله بودم که همزمان با کار عملی خبرنگاری، در دانشگاه تدریس می‌کردم و مسوولیت نظارت و ارزیابی یک برنامه دولتی در یکی از وزارت‌ها را در سطح افغانستان نیز برعهده داشتم.

پس از ملاقات با رییس دفتر وزیر و دریافت دستورات مرتبط به وظیفه، وارد دفتر کاری خویش شده و به وظایف روزانه‌ام رسیده‌گی می‌کردم. در آن روزها به دلیل سقوط پیبهم ولایات، حجم کار در دفترم چندبرابر شده بود. من نیز برای جبران، با شدت و قوت بیشتر کار می‌کردم. به همین دلیل نمی‌دانم زمان چگونه سپری می‌شد.

پیش از جاشت، یکی از سربازان امنیتی وزارت که با من سر رفاقت و دوستی هم داشت، با وضعیت غیرمعمول در حالی که لباس غیرنظامی بر تن داشت، وارد دفتر شد. او گفت: «اگر مرگ می‌خواهی، راه‌های دیگری را انتخاب کن؛ این‌جا چه می‌کنی؟ برخیز و برو پیش زن و فرزندان.»

برای لحظه‌ای فکر کردم حتما مهاجمان انتحاری طالب - که هرازگاهی نهادهای کشفی از احتمال حمله آنان اطلاع می‌دادند- به وزارت حمله کرده‌اند. پرسیدم چرا، چه شده؟ خیریت است؟ گفت: «ای بی‌خبر، طالبان وارد شهر شده‌اند و همه‌گی فرار کرده‌اند. خوب است که تو نیز این‌جا را با عجله ترک کنی.»

شتابان به سمت دفتر وزیر رفتم. در دهلیزهای پیچ‌درپیچ و طولانی وزارت هیچ کسی را ندیدم. در دفتر وزیر هم به استثنای یک نگهبان غیرنظامی، کسی را ندیدم. وزیر که به حق آدمی مهربان و دانشمند بود، نیز مجبور به ترک دفتر شده بود؛ ولی پیش از ترک دفتر، به خاطر امنیت ماموران، دستور تخلیه کارمندان را ابلاغ کرده بود. به دلیل آن که دفتر من تازه‌تاسیس و در یک گوشه وزارت قرار داشت، از آن دستور آگاه نشده بودم. به‌راستی حال که این یادواره را می‌نویسم، به خاطر می‌آورم که در آن لحظات، من تنها مامور رسمی دولت جمهوری اسلامی افغانستان در آن وزارت بودم که هنوز سر کار بودم.

تصمیم گرفتم وزارت را ترک کنم - دخترم که هم اکنون این نوشتار را می‌بیند و می‌خواند، می‌گوید که تصمیم نگرفتی، مجبور بودی - در توقف‌گاهی که همواره بین ۵۰ تا ۱۵۰ متر شخصی در آن‌جا توقف می‌بود، به استثنای موتور من و سه‌چهار موتری که گردوخاک چندین‌ساله آن‌ها را پوشانده بود، دیگر موتری به چشم نمی‌خورد.

در دروازه ورودی/خروجی وزارت، سربازان پولیس که از سال‌ها به این سو با سیر کردن سینه خود، مسوولیت تامین امنیت وزارت در برابر حملات احتمالی مسلحانه و موتربیم طالبان را برعهده داشتند، هنوز هم حاضر بودند؛ اما نه با یونیفورم نظامی، بلکه لباس‌های ملکی بر تن کرده بودند. آنان با دیدن من، گفتند: «منتظر

در خلای قدرت قرار گرفته بود. فرماندهان نظامی از جمله رییس کل ستاد مشترک ارتش و فرمانده عمومی نیروهای عملیات‌های خاص، فرمانده فرقه کابل و وزیر دفاع کشور، جنگ در برابر طالب در بود رییس جمهور را نوعی کودتای نظامی در برابر دموکراسی و نظام مردم‌سالار می‌پنداشتند! به همین دو دلیل (فرار رییس جمهور و سرقوماندانان اعلائی قوای مسلح از کشور و عدم ایستاده‌گی رییس ستاد ارتش، جنرالان ارشد، فرماندهان نیروهای امنیتی و وزیران سکتور امنیتی) نیروهای ارتش، پولیس و امنیت ملی به‌گونه مطلق فرو پاشیدند و دیگر نیروی امنیتی‌ای که از پایتخت دفاع کند، وجود فزیکتی نداشت.

بعدها فرمانده عقاب که فعلا در بیرون از افغانستان به سر می‌برد، به من گفت که با رسیدن به وزارت دفاع، منتظر دستور بودند، اما به آن‌ها گفته شد: «رییس جمهور و سرقوماندانان اعلائی قوای مسلح همراه با مشاور شورای امنیت ملی کشور، میدان نبرد را ترک نموده و فرار کرده‌اند. در چنین شرایطی، هر گونه اقدام ما به معنای کودتای نظامی است و نیروهای ارتش افغانستان به هیچ قیمتی وارد فاز کودتا نخواهند شد. سلاح‌ها و تجهیزات‌تان را همین‌جا و یا در قرارگاه فرماندهی کل نیروهای اسپیشل فورس بگذارید و خود به خانه‌های‌تان و یا هر جای امن دیگری که لازم می‌بینید، بروید...» او گفت که بعدتر جنرال سادات، فرمانده عمومی آن‌ها، در تفاهم و همکاری با نیروهای امریکایی تلاش کرد تا تعداد زیادی از افسران و سربازان نیروهای اسپیشل فورس را به خارج انتقال دهد، ولی با آن هم تعدادی از آنان ترجیح دادند تا به پنجشیر بروند و بر ضد طالب وارد مرحله جدیدی از نبرد و مقاومت شوند.

جنرال سمیع سادات، فرمانده عمومی نیروهای عملیات‌های خاص، تقریباً ۱۸ ماه پس از سقوط، در مصاحبه‌ای با یکی از رسانه‌های دیداری، همین مورد را اما با الفاظ و جملات متفاوت، بیان و تایید کرد.

ساعت از ۹:۰۰ شب گذشته بود که شبکه تلویزیونی عربزبان الجزیره با نشر زنده از ارگ ریاست جمهوری افغانستان، یک فرمانده نه‌چندان مهم و شناخته‌شده طالبان را در کرسی رییس جمهور نشان داد، در حالی که فرمانده نیروهای پی‌پی‌اس (واحد محافظت از رییس جمهور) آن طالب را مشایعت و با وی «بیعت» می‌کرد.

به همین ساده‌گی و چه ارزان، آرمان‌های یک ملت به باد هوا رفت و یک کشور توسط یک ریش‌سفید ترسو و بزدل، به قیمت نجات جان او، فروخته شد. ملت در مورد او قضاوت خواهند کرد و خدا با او محاسبه خواهد نمود.

وجود آمدن مشکل برای اقارب موصوف، از ایشان به نام مستعار «فرمانده عقاب» یاد می‌کنم - فرماندهی قطار را برعهده داشت. وقتی او را دیدم، تصور کردم که خلاف شهروندان مضطرب کابل، دارای انرژی و روحیه عالی است و هیچ ترس و دلهره‌ای در چهره‌اش به نظر نمی‌آید، بلکه مصمم به دفاع از شهر و شهریان کابل است. در حالی که تا آن زمان هیچ طالبی را در جاده‌های کابل به چشم ندیده بودم، اما با آن هم از «فرمانده عقاب» خواهش کردم که جدا متوجه امنیت خود باشد؛ چون هم یونیفورم نیروهای ویژه ارتش، تفنگ ام-۴ امریکایی و وسایط نقلیه نظامی همراه داشت. او با تعجب به من نگاه کرد و با لبخند معناداری گفت: «بچه عمک! به خیالم که تا حالا هم مرا درست نشناخته‌ای. گوسفند نر برای قربانی کردن است؛ یا وطن یا کفن. ما این لباس را برای رسیدن به شهادت بر تن کرده‌ایم. من از خدا می‌خواهم که با طالب در حالی روبه‌رو شوم که لباس نظامی بر تنم و تفنگ در دستم باشد. باز آن وقت ببین که چه قدر لنگی و ریش را پخته‌پرانک خواهیم کرد. طالبان هرگز با ما خود را مواجه نمی‌کند؛ زیرا آنان باربار با ما زورآزمایی کرده و شکست دردناکی دیده‌اند. ما زاده شده‌ایم تا به خاطر دفاع از این خاک و این مردم، در برابر طالب اقدام بی‌رحمانه کنیم، اما مثل آفتاب روشن است که ما فروخته شده‌ایم.»

فرمانده عقاب در ادامه گفت: «ماهی از سر گنده شده است. رهبری ما فاسد است. یک رییس جمهور متعصب و قوم‌پرستی که خودش و تمام اطرافیانش طالب هستند، فرماندهی کل قوای افغانستان را برعهده دارد. اگر یک آدم وطن‌دوست رهبر و فرمانده ما می‌بود، طالب را تا جهنم هم تعقیب می‌کردیم و حتا در جهنم زنده نمی‌ماندیم.» او این جملات را عمداً با آواز بلند، با آواز خیلی بلند، فریاد می‌کشید. در حالیکه مردم اشک می‌ریختند، هرچند با ترس اما از مصمیم قلب این سخنان فرمانده را با تحسین و ابراز احساسات عمیق درونی، بدرقه می‌کردند.

سرانجام حوالی ساعت ۵:۰۰ عصر به خانه رسیدم. با رسیدن به خانه، پیامی از داکتر عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی پیشین را یکی از دوستان برایم مسیح کرد. در آن پیام، داکتر عبدالله از فرار محمد اشرف غنی، رییس جمهور کشور، خبر می‌داد. آن پیام دقیقی بعد از تلویزیون طلوع نیوز و سپس سایر تلویزیون‌ها و رسانه‌های دیداری و شنیداری مکرراً پخش می‌شد.

هرچند حالا می‌دانیم که تا آن لحظه و حتا سه‌چهار ساعت بعد از آن نیز جنگ‌جویان تفنگ‌به‌دست طالب «رسماً» وارد شهر نشده بودند، اما کابل عملاً

بودیم که همه کارمندان از وزارت خارج شوند تا ما تصمیم خود را بگیریم. ظاهراً دلت نمی‌شد بیرون بیایی.»

پرسیدم که تصمیم‌تان چیست. فرمانده آن سربازان گفت: «نمی‌دانم... منتظر دریافت پاسخ از فرماندهی امنیه کابل هستم، اما هیچ‌کسی به مخابره‌ام پاسخ نمی‌دهد... تلاش کردم تا از فرمانده عمومی پولیس و یا از معین امنیتی وزارت داخله دستور بگیرم، ولی دفاتر آنان نیز به تماس‌هایم پاسخ نمی‌دهند.»

تازه آن‌جا بود که به عمق فاجعه پی بردم. در واقع کابل عملاً سقوط کرده بود. فرمانده یادشده، در ادامه گفت: «نمی‌دانم چه کنم». در حالی که با دست به سربازانش اشاره می‌کرد، ادامه داد: «نمی‌توانم این اولادهای غریب را به خاطر یک رییس جمهور [این‌جا به رییس جمهور غنی دشنام داد] به کشتن بدهم و زنان‌شان را بیوه و اولادشان را یتیم بسازم.»

با خداحافظی از آنان، به سمت خانه حرکت کردم. مسیر تقریباً پنج مایلی دفتر تا خانه را دقیقاً در شش ساعت پیمودم. گویا همه مردم اعم از پیر و جوان، زن و مرد، کارگر و کارفرما، فروشنده و خریدار، دانشجو و دانشمند... سراسیمه با پای پیاده و البته با چهره‌های به‌شدت مایوس، متاثر و ترسیده و در مواردی هم با گریه و ناله - مخصوصاً که دختران جوان همه گریه می‌کردند - به طرف خانه‌های‌شان می‌دویدند. کسانی که همانند من موتور داشتند، گروگان‌موتور خود شده و در راه‌بندان جاده‌های پر از ترس و اضطراب کابل، گیر کرده بودند. آنان نه راهی به پیش داشتند و نه راهی به پس. به یقین می‌توانم بگویم که در آن روز، تنها در جاده‌هایی که من پیمودم، بیش از ۵۰۰ هزار نفر با اندوه و گریه راهی خانه‌های‌شان بودند.

در همان راه‌بندان، قطاری از زنجرها و تانک‌های هاموی مجهز با تمامی تجهیزات سبک و سنگین نظامی مربوط به نیروهای ویژه ارتش افغانستان نیز گیر کرده بودند. آن نیروهای فوق‌العاده شجاع از سوق‌الجیش اصلی‌شان در دارالامان کابل به جانب مقر وزارت دفاع در نزدیکی ارگ ریاست جمهوری در حرکت بودند. تصادفاً یکی از آشنايانم فرمانده عقاب - در این‌جا به دلیل پیش‌گیری از احتمال به



صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسول: محمد محق
سر‌دبیر: حسین بهش
تحلیل‌گران: یونس نگاه، علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین
دبیر تولید: محمد نوید جوریا

Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش افلاان: Shaparsepahr@gmail.com ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹۹
نشانی پستی: ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکز کی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است.
سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

نواک جو کوویج، تنس باز صربستانی به مرد شماره یک تنس جهان مبدل شد و جایگاه کارلوس آکازاز اسپانیایی را از آن خود کرد. جو کوویج دوشنبه شب، ۲۹ اگست، سه بر صفر در برابر لکساندر مولر فرانسوی پیروز شد و در صدر رده بندی تنس جهان در بخش مردان قرار گرفت. تا پیش از این دیدار آکازاز اسپانیایی مرد شماره یک جهان و نواک مرد شماره دو جهان بودند. این تنس باز صربستانی که در دیدار نهایی رقابت های ویمبلدون مغلوب آکازاز شده بود، اکنون با اشتراک در رقابت های اوپن امریکا، می خواهد تا به بیست و چهارمین گرنند اسلم دست پیدا کند و به رکورد مارگارت کورت برسد. او تا کنون ۲۳ گرنند اسلم از رقابت های مختلف تنس کسب کرده است.

کمک ۲۵۰ میلیون دلاری جدید امریکا به اوکراین

مقامها در وزارت امور خارجه امریکا از کمک جدید ۲۵۰ میلیون دلاری نظامی این کشور به کی یف خبر می دهند.

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا، روز سه شنبه، ۲۹ اگست، در صفحه اجتماعی ایکس (توییت سابق) این موضوع را اعلام کرده است.

به گفته وی این کمکها شامل راکت های هدایت شونده و سایر مهماتی است که به نیروهای نظامی اوکراین ارسال می شوند.

بر اساس اطلاعات موشک های ۹M-AIM و سایر دستگاه دفاعی هیمارس، مهمات توپخانه ای و تجهیزات ماین رومی همچنان شامل بسته جدید کمک نظامی واشنگتن به ارتش اوکراین می شوند.

پیشتر روزنامه واشنگتن پست به نقل از منابع آگاه نوشته بود که وزارت دفاع امریکا از اوکراین خواسته است تا به جای هدر دادن مهمات نظامی شیوه نبرد با روسیه را تغییر دهد.

پس از تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، امریکا به ارزش میلیاردها دلار در بخش نظامی و غیرنظامی به اوکراین کمک کرده است.

این در حالی است که در کنار فراهم سازی تجهیزات جنگی به اوکراین، چند روز پیش پت رایدر، سخنگوی وزارت دفاع امریکا، گفت که انتظار می رود آموزش خلبانان اوکراینی برای پرواز F-۱۶ در ماه اکتوبر آغاز شود.



تلاش نماینده گان جمهوری خواه امریکا برای استیضاح بایدن



نیستند که تلاش های شان برای استیضاح بایدن موفق خواهد شد یا خیر.

این در حالی است که بر اساس گزارش ها مک کارتی پیش از این به دلیل نگرانی از پیامد استیضاح بایدن برای تضعیف تحقیقات کنگره، با آن مخالفت کرده است.

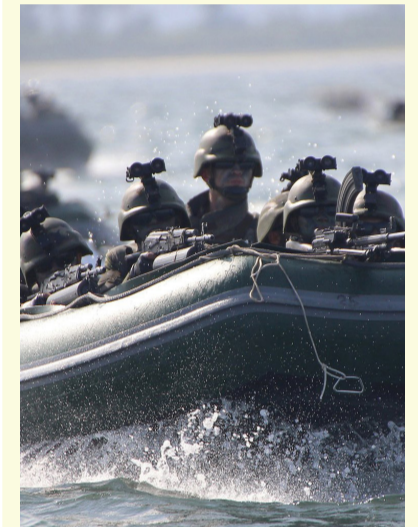
رسانه های بین المللی گزارش دادند که شماری از نماینده گان جمهوری خواه مجلس نماینده گان امریکا تصمیم گرفتند تا جو بایدن، رییس جمهور این کشور را در ماه سپتامبر استیضاح کنند.

فاکس نیوز سه شنبه شب، ۲۹ اگست، به نقل از منابع خود گزارش داده که رهبران جمهوری خواه در مجلس نمایندگان امریکا قرار است طرح های تحقیقاتی برای استیضاح جو بایدن را در ماه آینده انجام دهند. منابع در مورد دلیل استیضاح جو بایدن جزئیات ارایه نکرده اند.

یک نماینده جمهوری خواه به شرط افشا نشدن نامش گفت که کوین مک کارتی، رییس مجلس نمایندگان این کشور در گفت و گو با نماینده گان جمهوری خواه گفته که تحقیقات در مورد استیضاح بایدن در حال انجام است.

در همین حال، جیم جردن، رییس کمیته قضایی مجلس نماینده گان امریکا، در تماسی به اعضا این مجلس اطلاع داده که مک کارتی خواستار رای نماینده گان برای آغاز تحقیقات استیضاح شده است. با این همه نماینده گان جمهوری خواه امریکا مطمئن

امریکا با کوریای جنوبی و جاپان در نزدیکی شبه جزیره کوریا رزمایش برگزار کردند



در حالی که کوریای شمالی، واشنگتن و متحدانش را به ایجاد «بی ثبات ترین آبها با خطر هسته ای» متهم کرد، ایالات متحده، کوریای جنوبی و جاپان رزمایش مشترک دفاع موشکی دریایی را در شبه جزیره «کوریا» برگزار کردند.

رویترز روز سه شنبه، ۲۹ اگست، به نقل از ارتش کوریای جنوبی گزارش داده است که این سه کشور تمریناتی را در آب های بین المللی در نزدیکی جزیره ججوی جنوبی برگزار کردند، تا توانایی خود را در شناسایی و ردیابی اهداف و به اشتراک گذاشتن اطلاعات در صورت تحریک کوریای شمالی، افزایش دهند.

این رزمایش در حالی برگزار می شود که کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی خواستار نوسازی «رادیکال» تسلیحات و تجهیزات نیروهای دریایی این کشور شده و از افزایش حضور دارایی های استراتژیک ایالات متحده در منطقه انتقاد کرده است.

خبرگزاری دولتی کوریای شمالی گزارش داده است که کیم در سخنرانی به مناسبت روز نیروی دریایی، ظاهرا با اشاره به نشست ۱۸ اگوست آن ها در کمپ دیوید، گفت که «سران باند» ایالات متحده، جاپان و کوریای جنوبی تمرینات نظامی مشترک منظمی را اعلام کردند.

او تصریح کرد: «به دلیل حرکات تقابلی بی پروا ایالات متحده و سایر نیروهای متخاصم، آب های نزدیک شبه جزیره کوریا به بزرگترین نقطه تمرکز سخت افزار جنگی جهان، ناپایداری ترین آبها با خطر جنگ هسته ای تبدیل شده است.»

در اولین نشست مستقل میان رهبران ایالات متحده، کوریای جنوبی و جاپان، این سه طرف توافق کردند که همکاری های نظامی و اقتصادی را در راستای ایجاد وحدت در برابر قدرت روبه رشد چین و تهدیدات هسته ای شمال تقویت کنند.

کوریای جنوبی و ایالات متحده هفته گذشته مانورهای تابستانی سپر آزادی اولچی را آغاز کردند که برای تقویت پاسخ های مشترک خود به تهدیدات هسته ای و موشکی کوریای شمالی طراحی شده است. با این حال، پیونگ یانگ مدت هاست که این مانورها را تمرینی برای جنگ محکوم کرده است.

پولیس نایجریا بیش از ۲۰۰ تن را از یک مراسم عروسی همجنس گرایان بازداشت کرد



در همین حال، عفو بین الملل نایجریا با محکوم کردن این اقدام پولیس در صفحه اجتماعی ایکس (توییت سابق) خواستار آزادی فوری این افراد شده است.

این در حالی است که همجنس گرایی در نایجریا جرم پنداشته می شود و قانون جزایی این کشور مجازات تا ۱۴ سال زندان را به افراد همجنس گرا مدنظر گرفته است.

پولیس نایجریا از بازداشت بیش از ۲۰۰ تن از یک مراسم عروسی همجنس گرایان در شهر دلتا این کشور خبر داده است.

سی ان ان سه شنبه شب، ۲۹ اگست، به نقل از پولیس نایجریا گزارش داده است که ۶۷ تن از بازداشت شده گان به اتهام شرکت در مراسم عروسی همجنس گرایان مورد پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

یک مقام پولیس که از وی نامی در خبر گرفته نشده با شیطانی خواندن این رویداد گفته است: «ما نمی توانیم دنیای غرب را کپی کنیم. ما نایجریا هستیم و باید از فرهنگ این کشور پیروی کنیم.» شماری از بازداشت شده گان به خبرنگاران گفتند که آنان همجنس گرا نه بلکه مدل و طراح مدو فیشن هستند.

یکی از نامزدان جمهوری خواه انتخابات ۲۰۲۴ امریکا از رقابتها منصرف شد

جمهوریخواه در انتخابات پیشروی امریکا بود. وی تصریح کرده است: «حزب ما باید به فعالیت های بیشتر ادامه دهد تا این جامعه پر جنب و جوش را که به ارزش های بنیادی کشورمان باور دارند، ایمان، خانواده، سخت کوشی و آزادی را جذب کند. برای همه کسانی که من در انتخابات های قبلی از آنان حمایت کردم نسبت به دیگران باید خانه ای راحت در حزب جمهوری خواه و سیاست های آن پیدا کنم.» سوارز همچنان از محدود نامزدی بود که در مناظره چهارشنبه گذشته که فاکس نیوز در میلوکی میزبان آن بود، اشتراک نکرد.

این در حالی است که دونالد ترامپ یکی دیگر از نامزدهای جمهوری های امریکا از شرکت در نخستین مناظره تلویزیونی هفته پیش خودداری کرد.

که سوارز مبارزات انتخاباتی خود را به حالت تعلیق درآورده و اولین نامزد جمهوری خواه ریاست جمهوری امریکا است که از رقابت نامزدی منصرف می شود. سوارز در بیانیه ای گفته است: «تصمیم گرفتم بازار انتخاباتی خود را برای ریاست جمهوری به حالت تعلیق درآورم.»

در همین حال، یک رقیب این نامزد که نامی از وی در خبر گرفته نشده است گفته که نامزدها در صورت عدم حضور در صحنه، باید طولانی و دقیق فکر کنند. فرانسیس سوارز، یک هفته پس از این که نتوانست واجد شرایط شرکت در اولین مناظره نامزدی ریاست جمهوری باشد، کارزار انتخاباتی خود در کاخ سفید را به حالت تعلیق درآورد.

سوارز، تنها رقیب اصلی لایتین تبار برای نامزدی حزب



رسانه های امریکایی گزارش دادند که فرانسیس سوارز، شهردار میامی، و یکی از نامزدان انتخابات ۲۰۲۴ این کشور از رقابت در این انتخابات کناره گیری کرده است. فاکس نیوز سه شنبه شب، ۲۹ اگست، گزارش داده